Fakhereh Moussavi

To cite this version:

Fakhereh Moussavi. . Open Society , 2013. ⟨hal-01382223⟩

HAL Id: hal-01382223

https://hal.science/hal-01382223v1

Submitted on 18 Oct 2016

HAL is a multi-disciplinary open access archive for the deposit and dissemination of scientific research documents, whether they are published or not. The documents may come from teaching and research institutions in France or abroad, or from public or private research centers.

L'archive ouverte pluridisciplinaire **HAL**, est destinée au dépôt et à la diffusion de documents scientifiques de niveau recherche, publiés ou non, émanant des établissements d'enseignement et de recherche français ou étrangers, des laboratoires publics ou privés.

خلاصه
وقتی در اسناد تاریخی، از زنان سخنی به میانآمده، کمتر به ریشه‌هایخواسته‌های زنان توجه شده است. اینسوال در بطن جنبش زنان در افغانستان مطرح است کهجنبشروشنفکریچهتأثیری در خواسته‌های زنان داشته است؟ زنان در جریاناینجنبشچگونهو ازچهراهیخواسته‌های خود را مطرح می‌کردند؟ اینخواسته‌ها از چهمشکلاتو مسایلاجتماعیسرچشمهمی‌گرفتند؟ سوالاتبسیاردیگرینیز هست که به دلیلفرهنگشفاهیاین منطقه و عدم ثبت آن‌ها، هیچگاه به آن‌ها جواب داده نشده است، یااین‌کهروشنفکران در پیپاسخگویی به اینسوالاتنبوده‌اند.
جریان‌هایروشنفکری در افغانستان، خود وابسته به کشورهایهمسایه‌اندو ایدئولوژیروشنفکراناینجریان‌هارابطه‌ایریشه‌ایباوضعیت زنان افغان نداشته است. دلیلاصلیاینمسأله را می‌توان در شکافتاریخیکهبین جامعه و روشنفکران وجود دارد، جست‌وجوکرد. در اینگاشتهٔکوتاه، نگاهی به جریان‌هایروشنفکری در افغانستان خواهیم داشت و نگرش آنان به زنان و خواسته‌های زنان را بررسیخواهیمکرد.

جنبشروشنفکریو زنان

اگرجنبش‌هایروشنفکری را پی‌گیریکنیم، بایدنگاهی به کلتاریخ منطقه داشته باشیم. برخی از جنبش‌هایفکری پیش از اسلام و بعد از اسلام به وجود آمده و به مرور زمان و در پی حوادث کم‌رنگشده‌اند. اینجنبش‌ها بیشتر در ادبیاتجلوه‌گرند. در این حوزه به دلایلفرهنگی، بیشتریننشانه‌ها حفظ شده است؛ اما در سایر موارد اینننشانه‌ها بسیارکم‌رنگ‌اند. جنگو گریزهای منطقه‌ای باعث ازبین‌رفتن اسناد شده است. بسیاری از اسناد در هجوم‌هایگستردهنابودشده‌اندو فقطنامی از آنان باقیمانده است. در اینمیان، رد پایجنبش‌هایروشنفکری هم چندان مشهود نیست.
دلیلدیگریکهمی‌توان به آن اشاره کرد، عدم رشد آزادیبیان به دلیلاستبدادی‌بودنحکومت‌ها و زیرزمینی‌شدنجنبش‌هایفکری است. مثلاً یکی از جنبش‌هایفکری، جنبش «اخوان‌الصفا» [۱] است که در سرزمینپارسپس از اسلام به وجود آمده است؛ اما کمتر از اینجنبشمی‌شنویم؛ به خاطر این‌کهوضعیتسیاسیسرزمین‌هایاسلامی، اجازه فعالیتآزادانه به اینجنبشنمی‌داد.
اما اگربخواهیم به جنبش‌هایفکری در عصر جدید اشاره کنیم، باید توجه داشته باشیمکهبا ورود واژهٔروشنفکر، اینجنبش‌هاشکلنوتری به خود می‌گیرند. روشنفکر، برایاولین‌بار از نظریه‌هایکارلمارکس وارد جنبش‌ها می‌شود. مارکستعریفخاصیبرایروشنفکر دارد و معتقد است که بدون روشنفکر، نمی‌توانیم منتظر تغییرات در جامعه باشیم. به نظر وی، هردوره‌ای، روشنفکر خاص خود را دارد که نسبت به زمان و مکاناگاهی دارد و برایتغییر در وضعیتجامعه‌اش اقدام می‌کند.
مشخصهٔروشنفکر، «آگاهی» است. اینآگاهی، باعث می‌شودکهروشنفکر علیهنابرابری‌هاییکه در جامعه‌اشمی‌بیند، قیامکندو برای اصلاح آن تلاش کرده و راه‌حل منطقیارائهبدهد. اینراه‌حل خودش باعث رشد عقل‌گرایی شده و منجر به دگرگونی، رشد و اصلاح جامعه می‌شود. اینپروسه، به مرور زمان،

تبدیلبه جریانمی‌شود؛ یعنیافرادیکه تحت تأثیراندیشه‌هایعقل‌گرایانهستند، ترجیحمی‌دهندبرایحل‌وفصلمسایلاجتماعیو سیاسی، از روش‌هاییاستفادهکنندکهعقل‌گرایانه‌تر به نظر می‌رسند. بنابراین، روشنفکری در همهٔدوره‌هاباعقل‌گراییهمراه بوده است.

جریان‌هایروشنفکریکه در افغانستان شکلگرفته‌اند، بیشتر تحت تأثیرجنبش‌هایروشنفکری در کشورهایهمجواربوده‌اند؛ یعنی غیر از یکدورهٔکوتاهکهمنتهی به جنبش مشروطه در سال ۱۳۸۴شمسی شد[۲]، سایرجنبش‌ها از نظر ایدئولوژیوابستهبوده‌اند. جنبش مشروطه از اینجهت در ردهٔیکجنبشروشنفکری قرار می‌گیردکهریشه در حلقه‌هایروشنفکریشکل‌گرفته از قرن ۱۹میلادی در بین مردم افغانستان داشته است؛ حلقه‌هایادبی‌ـاجتماعیکه منجر به شکل‌گیری و انتشار روزنامهٔسراج‌الاخبار شده بود. روشنفکراناینجنبش، نگاهیواقع‌گرایانه به مسایلسیاسیو اجتماعی در افغانستان داشته‌اند [۳].

اینواقع‌گراییکی از پارامترهای مهم در جنبشعقلگرایی[۴] است؛ عقلگرایی‌ایکه به مفهوم رشد و تعالی جامعه و روشنفکرانبراساس منطق است. رشد عقل‌گرایی، تغییراتوسیعی را در جامعهٔ افغانستان می طلبید، کهبراییک نظام استبدادی قابل تحمل نبودند. به همین سبب، اینروشنفکران مدام تحت فشار حکومت‌های وقت بوده‌اند.

طبق اسناد موجود، در میاناعضایجنبشو فعالان، از زنان نام برده نشده است؛ در حالیکه در این دوره زنانیبوده‌اندکه اصلاحات در وضعیتاجتماعی را می‌خواسته‌اند؛ زیرا در دورهٔامیر عبدالرحمان خان، چهره‌هاییمانند «بوبو جان» همسرامیر است کهخواهانتنظیمقوانینبرای احقاق حقوق زنان بوده است. بوبو جان، به عنوان یک زن فرهیخته، توانستبانفوذیکه در دربارامیر داشت، قوانینی را برای حقوق زنان به تصویبامیربرساند [۵]. بنابراین، می‌توانچنیننتیجه‌گیریکردکهزنانینیز در حال فعالیتبوده‌اند، تا وضعیتاجتماعیو سیاسی خود را بهبودببخشند؛ اما شکلفعالیت آنان متفاوت بوده است.

دلیلیکهمی‌تواندربارهٔ عدم توجه اینجریانسیاسی به زنان ذکرکرد، سرکوبشدیدروشنفکران توسط حاکمان بوده است. وضعیتسیاسیو اجتماعینامناسب، این فرصت را برایجریان‌هایروشنفکری فراهم نکرده است کهآن‌ها در یکدورهٔ محدود، به اینمسألهبپردازند.

اگردقیق‌ترجست‌وجوکنیم، در صد سال گذشته، یافتن زنان اندیشمند در جامعهٔ افغانستان مشکل به نظر نمی‌رسد. زنانیکه در ادبیاتروزمرهٔشاننیز از اشعار اندیشمندان مشروطه استفادهمی‌کرده‌اند، زیادبوده‌اند. به عنوان مثال، در نهضت نسوان، زنانیآگاهو پروردهٔجریان‌هایاجتماعی و سیاسی وجود داشته‌اندکهوضعیت زنان را نقد می‌کرده‌اند. روزنامه‌هاییکه در دهلی و استانبول به زبان پارسی منتشر می‌شدند، هرازگاهینامه‌هایی از زنان را منتشر می‌کردندکه نشان از نگاهیروشنفکرانه زنان به وضعیتخودشان دارد. اینتقادی، در آثار ادبی زنان شاعر بیشتر مشهود است. شعر انس بسیاریبافرهنگشفاهی دارد. مردم اگر به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسینمی‌توانستند اسناد را ثبت کنند، اشعار را به راحتیمی‌توانستنددهان‌به‌دهان منتقل کنند؛ و تقریباًاکثراقشار در اقصی نقاط، شمه‌ای از آن را می‌شنیدند. اما انتشار آن به صورت چاپی، برایدسترسیهمهٔاقشار جامعه امکان‌پذیرنبوده است.

در بین زنان شاعر، می‌توان از زنانیمانند محجوبه هروی (۱۲۸۵ش)[۶] و مخفیبدخشی (۱۲۵۸ش)[۷] یادکردکهاشعارشان از آزادی، وضعیت جامعه، حسرت، خشونت، تعصب و تاریک‌دلی سخن می‌گویند و اینننشان‌دهندۀآگاهیاین زنان از وضعیتاجتماعی و سیاسیدورۀ آنان بوده است. اینواقعیت در نگاشته‌هایاین دو شاعر، به خوبی نشان داده شده است.

«بلبل نه هرزهاین‌همهفریادمی‌کند
بیچارهآشیانۀ خود یادمی‌کند
محجوبه در ترانۀآزادی بشر
نفرین به ظلم و وحشتصیادمی‌کند»

در این دو بیتکلماتمدرنی مثل فریاد، آزادی بشر، ظلم، وحشت یا همان خشونتبه‌کار برده شده‌اند. کاربرداینواژه‌ها، نشان می‌دهدکهآزادی‌خواهی در بین زنان این دوره هم بحث مهمی بوده است. ظلم را می‌توان در تمام لایه‌هایزندگیاجتماعیو سیاسیدریافت. فریاد بلبل، خودشنمودی از قیامعلیه ظلم است. هرچند در جامعۀ آن روز ندایروشنفکرنمی‌توانستوضعیت جامعه را متحول کند، اما در برابر اینخشونتسکوتاختیارنکرد[۸].

مخفیبدخشینیز از سیاستزخم‌هاخورده است و این عامل باعث شده کهدیگرترسی از شکنجه‌هاییکه در دورۀ خود می‌کشد، نداشتهباشد. بیتذیل از او، علاوه بر نشان‌دادندیدگاهعارفانۀبدخشی به زندگی، به وضعیتاجتماعی هم نظری دارد.

«مقصود من از کون‌ومکان آن یار است
نه میل به جنت و نه خوف از نار است»[۹]

مشهود است کهاین دو شاعر زن برآمده از تحولات روشنفکری در افغانستان‌اند. زنانیکه تحت تأثیرجریان‌هایروشنفکریبرخاسته از سرزمین خود هستند. اگربیشتر در جامعۀ افغانستان جست‌وجوکنیم، خواهیمدیدکه از این‌دست زنان ـکهروشنفکران برخاسته از وضعیتسیاسیو اجتماعیزمان‌اندـ بسیارند. اینجریان اما در نیمۀ دوم قرن بیستم، دچار ضعف شد. این ضعف تنها به دلیلجنگو درگیری‌هایسرزمینینیست؛ بلکهنتیجۀسیاست‌هایناهمگنسیاست‌مداران در اینسرزمین است. نوسازیسیاسیو اجتماعییا همان مدرنیزه‌کردن جامعه و سیاست در افغانستان، می‌تواندتأثیرگذارترین عامل در ضعف اینجنبشباشد. تیوری‌های مدرن به‌شدت سنت را نقد می‌کنندو جنبشروشنفکری زنان نیز در این حوزه به وسیلۀسیاست‌مداراننوسازی و ابزاریبرایبرنامه‌هایسیاسی، قرار می‌گیرند.

این عامل باعث شد کهروشنفکری به معنایآگاهی از وضعیتسیاسیو اجتماعی زنان، از جنبش زنان رخت برکشد و نتواندبیداریسیاسی و اجتماعی در بین زنان را گسترشبدهد.

۱, جنبش اخوان الصفا پس از اسلام به وجود آمد. به سبب ممنوع بودن فلسفه یونان در سرزمینهایاسلامی ،اینجنبش، کتابهایفلاسفهبزرگیونانی را به صورت پنهانی به فارسی و عربی ترجمه میکردند و به اینطریقبسیاری از علوم یونانی به علوم اسلامی اضافه شده است. [۱]

[۲]. جنبش مشروطه در افغانستان در دوره امیرحبیب الله خان شکلگرفت.

[۳] . نگاهیبیندازید به کتاب عبد الحیحبیبی ،جنبشمشروطیت در افغانستان، انتشارات دولتی، سال ۱۳۶۳, در لینکزیرنیزمیتوانیدکتاب را به صورت ان لاین مطالعه فرمایید :

https://archive.org/details/azu_acku_ds369_4_hay29_1363

[4] . Rationalisme.

[5] . بیبیحلیمهیابوبو جان، همسرامیرعبدالرحمن خان بوده است که در سن چهاردهسالگیروی به شاعری اورده است. وی از زنان ادیبو روشنفکردوره خود بوده است.

[۶] . محجوبه هروی نام اصلیش " صفورا" دخترسکندرخان نظام الملک از خانوادهسردارانترک ، در سال ۱۲۸۵هجریشمسی در بادغیس از توابع سابق هرات دیده به جهان گشود .او در چهادهسالگیاولیناشعارش را سرود ودر لابلای اشعار محتویگوناگون را بیان داشت . محجوبه هرویزندگیزناشوییخوبیباهمسرشمیرزا غلام نداشتو تازمانیکهشوهرش زنده بود؛ امکانشرکت در محافل ادبیبرایشمیسرنبود. بعدهاعضو انجمن ادبی همچنانآموزگار در مکاتب نسوان هرات گردید . دیوان محجوبه هروی با سه هزار بیت در سال ۱۳۴۷هجریشمسی توسط محمد علم غواص در هرات به زیورچاپآراستهگردید. سرانجامدرسال۱۳۴۵هجریشمسی در زادگاهشدیده از جهان بست

[۷] . تولد وی را در سال ۱۲۵۸هجریشمسی در خلم بدخشان ومرگش را در سال ۱۳۴۲هجریشمسی در (قره قوز) بدخشاننوشته اند.

شاه مراد شاهی، دوست و منشیشاعر ، نام مخفی را« شاه بگم» و لقب وی را سید نسب میداند.

[۸] . نگاهیبیندازید به یادداشتدکترشعیبمجددیدربارهمخفیبدخشی ومحجوبه هروی :

&http://archive.mashal.org/content.php?c=shehr

id=02985&id=02985http://archive.mashal.org/content.php?c=shehr

[9] . لطیفناظمی، مخفیبدخشی: شاعرتبعیدیشوربخت، مقاله را میتوانید در لینکزیر مطالعه کنید.

http://www.dw.de/%D9%85%D8%AE%D9%81%D9%8A-

%D8%A8%D8%AF%D8%AE%D8%B4%D9%8A-

%D8%B4%D8%A7%D8%B9%D8%B1-

%D8%AA%D8%A8%D8%B9%D9%8A%D8%AF%D9%8A-

%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A8%D8%AE%D8%AA/a-3163787